

مغزها با مخدرها کوچک و بیمار می‌شود



مغز انسانم حیاتی، مهم و شگفت‌انگیز ما آدمیان است. این عضو یک کیلو و ۳۶۰ گرمی (به طور میانگین) با حدود یکصدمیلیارد سلول عصبی، امکان آگاهی از گذشته دور، زندگی در حال و شبیه‌سازی آینده را برایمان میسر می‌سازد.

مغز است که ما را غرق در شور و هیجان می‌کند و اندیشیدن به اینجا و برایمان فراهم می‌سازد، امکان خلق ابداعات خارق‌العاده را در اختیارمان قرار می‌دهد، تجربه لذت و شادی را برایمان مهیا می‌سازد، یارِ یمان می‌دهد تا گره از مسائل پیش روی خود و دیگران یگشائیم و زندگی را شورمندانه زیست کنیم. با مغز است که یاد می‌گیریم تولید دانش کنیم، نقشه‌ریزی کنیم وانبوه دانش را به حافظه بسپاریم.

اما مغز به سبب مدیریت و فرماندهی انبوه فعالیت‌های جسمی، عاطفی، شناختی و ارتباطیِ اولا بسیار شکنجبار است، به‌گونه‌ای که با اختصاص تنها ۲درصد وزن کل بدن به خود حدود یک چهارم کل انرژی بدن را مصرف می‌کند.

ثانیا بسیار آسیب‌پذیر و زود زنج است و آسیب پذیری مغز در برابر دو چیز بیش از هر چیز دیگری است.

آن دو، یکی الکل است و آن دیگری انواع مواد مخدر است. اولی عمدتاً لوب پیش پیشانی مغز **perfrontal** را که مسئول فعالیت‌های ذهنی، شناختی و قضاوت و منش اخلاقی است، دستخوش آسیب‌های جدی قرار می‌دهد و لاجرم فرد را در انجام فعالیت‌هایی که به سامان رساندن آنها مستلزم اندیشه و برنامه‌ریزی و دقت نظر است دچار مشکل می‌سازد و دومی (یعنی مصرف مخدرها) بیش از همه بر «سیستم لیمبیک» که در گیر عواطف و هیجانات مختلف و حافظه است، تأثیر ویرانگری می‌گذارد. این تأثیر به ویژه از آن رو است که بر اساس یافته‌های جدید عصب شناختی و اطلاعات حاصل از تصاویر MRI، مدت کوتاهی پس از مصرف مواد مخدر بالاخص مخدرهای صنعتی این بخش مغز بین ۸ تا ۲۰ درصد کوچکتر می‌شود و حتی پس از مصرف یک قطره الکل و یک بار مواد مخدر بخشی از سلول‌های مغزی دود می‌شود و به هوا می‌رود.

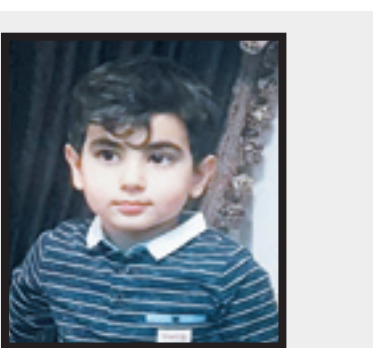
کوچک شدن بخش‌های مختلف سیستم لیمبیک مغز به ویژه هیپوکامپ (که سامانه اصلی حافظه است) و آمیگدال (که سبب زیادی در ادراک هیجانات دارد)، آثار زیانباری بر عملکرد کلی مغز برجای می‌گذارد، به عنوان مثال کارکرد مغز آنچنان افت می‌کند که «شخصیت اخلاقی» فرد به میزان زیادی فرو می‌پاشد و قدرت و توان فراخوانی اطلاعات از حافظه تحلیل می‌یابد و انسجام ذهنی او از هم می‌پاشد و استعداد عبرت‌گیری و تجربه‌آموزی نیز از بین می‌رود و ظرفیت‌های عاطفی نهمدلی و هم حسسی و لذت‌بدن عمیق و شادکامی، به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابند. همچنین استمرار مصرف موادمخدر موجب بروز علائم «شبه ازیمری» در فرد می‌شود.

البته آثار مواد صرفاً در سطح تخریب سخت افزاری مغز محدود نمی‌ماند، بلکه این مواد به شدت ترشح و جذب ناقلان عصبی- شیمیایی (نورو ترانسمیترها) به ویژه دوپامین و سروتونین و نور آدرنالین را نیز دستخوش اختلال و کم کار کردی قرار می‌دهد. علاوه بر این به سبب اثرات سونی که مخدرها بر مراکز هیپوفاویز برجای می‌گذارند تعادل هورمونی فرد به شدت بهم می‌ریزد. به همین سبب فردی که دچار اعتیاد مزمن است دیگر نه لذتی را حس می‌کند و نه قادر به کنترل درد و رنج خویش است.

خلاصه آنکه مجموعه این اثرات مغزی- روانی، عصبی و غددی موجب می‌شود تا فرد معتاد نه تنها امکان «زیست باشکوه» را به کل از دست بدهد، بلکه حتی ناتوان از استمرار «زیست معمول» خواهد بود. از همین روی سرانجام در یک زندگی بازی به هر جهت و بیمارگونه فرو می‌غلند و ناگزیر باید او را در معرض درمان‌های طولانی مدت قرار داد تا بلکه بتوانند برخی کارکردهای طبیعی خود را از سر گیرد.

چاره چیست؟ به باور من چاره اصلی و اساسی را باید در پیشگیری جست‌وجو کرد و قدم آغازین پیشگیری نیز آگاهسازی است. به همین سبب ضروری است مراکز آموزشی و اطلاع رسانی، بی‌پرده ووجوانان و جوانان را تحت آموزش قرار دهد و خانواده‌ها را از این آثار زیانبار و گاه برگشت ناپذیر آگاه سازند. مطمئناً این آگاهی می‌تواند مانع بسیاری از شهروندان جامعه در دام اعتیاد شود و کلام آخر اینکه همه ما باید یاد بگیریم که چگونه از مغز زودرنج و آسیب‌پذیر خود مراقبت کنیم و دودستی به آن چسبیم. این‌شاه‌الله در مجالی دیگر راهکارهای مراقبت از مغز را باهم مرور می‌کنیم.

***سختگو و معاون ستاد مبارزه بامواد مخدر کشور**



پسر بچه ۷ساله به ۳بیمار زندگی بخشید

اعضای بدن پسر بچه هفت‌ساله که به مرگ مغزی مبتلا شده بود به سه بیمار نیازمند اهدا شد.

به گزارش خبرنگار ما، این کودک که ابوالفضل نام داشت هفتم مردادماه امسال دچار حادثه شد. او در پارکینگ خانه‌شان در روستای خدیده‌شهرستان زنجان مشغول بازی بود که لاسیتیک تراکتور به رویش سقوط کرد. بعد از آن بود که ابوالفضل به بیمارستان موسوی منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت. در اولین بررسی‌های مشخص شد که طفل به علت شدت ضربه به کما رفته است. تلاش پزشکان برای نجات طفل اما به سرانجام نرسید تا اینکه اعلام شد او به مرگ مغزی مبتلا شده است. پس از آن بود که چند روز قبل با رضایت خانواده‌اش ابوالفضل به بیمارستان سینای تهران منتقل و اعضای بدن او به سه بیمار نیازمند اهدا شد. دکتر سناز دهقانی، رئیس واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی اعلام کرد: با تلاش تیم پزشکی بیمارستان سینای تهران کید و دو کلیه کودک به سه بیمار نیازمند اهدا شد.

سه سارق سابقه داری که متهم هستند هنگام سرقت میلیاردری از خانه مرد پولداری مر تکب قتل شده‌اند در بازجویی‌ها ادعا کردند قتل کار آنها نبوده است.

به گزارش خبرنگار ما، طمع بدست آوردن پول‌های باد آورده مجرمان زیادی را گرد هم می‌آورد و تا با تشکیل باندهای سرقت دست به سرقت‌های سریالی بزنند. گاهی هم این سارقان در جریان سرقت دست به جنایت‌های خونی می‌زنند، مانند سه سارق سابقه داری که در زندان باند سرقت را تشکیل دادند و پس از آزادی هم سرقت‌های سریالی خود را آغاز کردند و الا ن هم به اتهام قتل مرد پولدار با زداشت شده‌اند. اوایل زمستان سال قبل بود که مأموران پلیس تهران با تماس شهروندی از مرگ مشکوک مرد سالخورده‌ای با خبر و راهی محل شدند.

مأموران در محل حادثه که خانه‌ای در شمال تهران بود با جسد مردی به نام سهراب روبه‌رو شدند که سر و صورت خونی‌اش حکایت از این داشت به قتل رسیده است.

■ آغاز تحقیقات

تحقیقات مأموران نشان داد مرد فوت شده تنهایی در خانه‌اش زندگی می‌کرده است تا اینکه ساعتی قبل یکی از فرزندانش به دیدنش می‌آید و با این صحنه خونین روبه‌رو می‌شود. فرزند مقتول گفت: پدرم تنهایی زندگی می‌کرد و ما هم گاهی به او سر می‌زدیم. ساعتی قبل با پدرم تماس گرفتم که جواب‌نداد و نگرانش شدم و به خانه‌اش آمدم. قفل در خانه‌اش شکسته بود و بهم ریختگی وسایلی هم نشان می‌داد سارق یا سارقانی به خانه‌اش دستبرد زده‌اند. هر چقدر او را صد‌ها جواب نداد که در اتاق خوابش با جسد خونینش روبه‌رو شدم. وی ادامه داد: پدرم همیشه پول، دلار و طلای زیادی در خانه نگهداری می‌کرد که پس از بررسی متوجه شدم سارقان پس از قتل پدرم حدود یک‌میلیارد تومان اموال با ارزش او را سرقت کرده و از محل گریخته‌اند. مأموران در ادامه با گرفتن اثر انگشت از محل حادثه تحقیقات خود را برای شناسایی عاملان این حادثه آغاز کردند.

همزمان با تحقیقات درباره این حادثه مأموران با سرقت‌های سریالی زیادی از خانه‌های شمال

تهران روبه‌رو شدند که در بررسی‌ها مشخص شد سارقان که باندی عمل می‌کنند، پس از تخریب قفل در ورودی اموال با ارزش خانه‌ها را سرقت می‌کنند.

■ فروش اموال سرقتی در اینستاگرام

در حالی که بررسی‌ها ادامه داشت و مأموران هیچ سرنخی از متهمان پیدا نکرده بودند، دو نفر از شاکیان که خانه‌های‌شان مورد دستبرد سارقان به همان شیوه قرار گرفته بود، به اداره پلیس رفتند و اعلام کردند که مردی وسایل سرقتی خانه‌شان را در گروه‌های تلگرامی و اینستاگرام برای فروش به حراج گذاشته است. یکی از شاکیان گفت: چند ماه قبل سارقانی به خانه‌ام دستبرد زدند و وسایل گرانبهیم را به نامم سرقت کردند. پس از شکایت، پیگیر پرونده‌ام بودم تا اینکه امروز در یک حراجی اینستاگرامی دیدم وسایل خانه ام برای فروش به حراج گذاشته است. شاکی دیگر هم گفت که وسایل سرقتی خانه‌اش در کانال تلگرامی به فروش گذاشته شده‌است. بدین ترتیب مأموران با بدست آوردن این سرنخ، چند روز قبل فردی را که لوازم سرقتی را برای فروش در تلگرام و اینستاگرام گذاشته بود دستگیر کردند.

■ انکار قتل

بررسی‌ها نشان داد این فرد که سیلوش نام دارد از سارقان سابقه دار است. همچنین مشخص شد اثر انگشت به جامانده که به خانه مرد فوت شده متعلق به وی است. متهم پس از انتقال به اداره پلیس ابتدا منکر جرم خود شد، اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به سرقت‌های سریالی با همدستی دو نفر دیگر از دوستانش اعتراف کرد. وی در بازجویی‌های بعدی سرقت از خانه مرد فوت شده را هم انکار کرد، اما وقتی فهمید اثر انگشتش آنجا مانده است به سرقت از خانه سهراب هم اعتراف کرد. وی گفت: چند سال قبل به اتهام سرقت دستگیر و روانه زندان شدم. در زندان با دو سارق سابقه دار به نام‌های جعفر و قنبر هم سلول شدم. ما سه نفر یک‌سال قبل از زندان آزاد شدیم و باند سرقت از خانه‌های ویلایی را تشکیل دادیم. ما معمولاً به خانه‌هایی دستبرد می‌زدیم که صاحبخانه نبود و بعد هم با تخریب قفل در وارد خانه می‌شدیم و اموال با

حواالت

سرویس حوادث۸۸۹۸۴۳۵

سارقان اینستاگرامی سرقت مرگبار را انکار کردند



نمود. وی درباره فروش لوازم سرقتی هم گفت: ما معمولاً وسایل گرانبهیم و با ارزش سرقتی را به بهانه اینکه قصد مسافرت از کشور را داریم به قیمت‌های مناسب در تلگرام و اینستاگرام به فروش می‌گذاشتیم. پس از این مأموران و همدست متهم را بازداشت کردند. به متهم نیز در بازجویی‌ها حرف‌های سیاوش را تأیید کردند. متهمان برای ادامه تحقیقات و روشن شدن زوایای پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

او را ر خفه کردم. سپس با همدستی ایمان جسد را آتش زدیم و خودرو را سرقت کردیم.» ایمان نیز در بازجویی‌ها به معاونت در قتل اعتراف کرد. پرونده در حال کامل شدن بود که در روند تحقیقات مشخص شد ایمان مدتی قبل یکی از دوستانش را با چاقو به قتل رسانده‌است.

با افشای این ماجرا، ایمان در این پرونده به اتهام قتل عمد مجرم شناخته شد و از سوی هیئت رسیدگی کننده به قصاص محکوم شد. او همچنین در جریان اولین پرونده به اتهام معاونت در قتل در شعبه چهارم داد‌گاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. هیئت قضایی محمد را به اتهام مباشرت در قتل به قصاص و ایمان را به اتهام معاونت در قتل به حبس محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و مورد تأیید قرار گرفت. به این ترتیب دو متهم در جریان پرونده‌های جداگانه در آستانه مرگ قرار گرفتند که ایمان با رفتن به پای چوبه دار اعدام شد، اما محمد توانست با پرداخت ۳۰ میلیون تومان دیه رضایت مادر مقتول را جلب کند، اما پدر مقتول همچنان درخواست قصاص داشت.

به این ترتیب با گذشت ۱۰سال از حادثه محمد با نوشتن نامه‌ای درخواست تعیین تکلیفی کرد. بد این درخواست پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه چهارم داد‌گاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی متین راسخ قرار گرفت. در آن جلسه محمد در آخرین دفاعش گفت: «ایمان من را تحریک کرد و باعث شد مر تکب قتل شوم. وقتی حکم اعدامم تأیید شد خانواده‌ام به سختی توانستند رضایت‌مادر مقتول را جلب کنند، اما پدر مقتول راضی به گذشت نشد. او می‌گوید ۳۰ میلیون تومان مبلغ کمی است.» متهم ادامه داد: «۱۰ سال است به خاطر اختلاف نظر آنها در زندانم و بعد از اعدام ایمان هر شب کابوس مرگ می‌بینم. از این وضعیت خسته شده‌ام و تقاضای تعیین تکلیفی دارم.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

آگهی مفقودی

برگ اعلام وضعیت (برگ سبز) و سند مالکیت خودروی سواری سمند مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ۳۵ ایران ۸۲۳ ه ۴۵ به شماره موتور 147H0314048 و شماره شاسی و NAACR1HW6HF254300 مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پراید تیپ 131SE مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۴۹ - ۳۹۷ ص - ۶۷ و موتور M13/5596450 و شماره شاسی NAS411100G3478589 متعلق به خانم مژده آشکاری نژاد مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.



مرگ ۳ کارگر زیر آوار خانه قدیمی

ریزش آوار ساختمان قدیمی در خیابان دستگردی تهران سه کشته و یک مجروح بر جای گذاشت.

به گزارش خبرنگار ما، این حادثه، در ساعت ۱۶:۵۸ عصر پنج‌شنبه ۱۷ مردادماه اتفاق افتاد. جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی در توضیح حادثه گفت: «لحظاتی بعد از اعلام حادثه تیم‌های آتش‌نشانی، عوامل شهرداری و نیروهای هلال‌احمر در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد، کارگران در ساختمان سه‌طبقه قدیمی مشغول کار بودند که بر اثر تخریب بخش جنوب شرقی ساختمان زیر آوار گرفتار شدند.» وی در ادامه گفت: «در همان لحظات اولیه، یکی از کارگرانی که دچار جراحات شدید شده‌بود از زیر آوار خارج شد. وی بعد از نجات مأموران را از حبس سه کارگر دیگر در زیر آوار باخبر کرد.»

مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امداد و نجات هلال احمر هم گفت: دو تیم واکنش سریع، ۳ تیم سنگ‌های زنده‌یاب و یک تیم آوار بردار برای یافتن کارگران گرفتار شده در محل حاضر شدند. بررسی‌های برای یافتن گرفتارشدگان تا ساعت ۲۳:۱۵ ادامه داشت. آن زمان بود که جسد اولین کارگراز میان آوار خارج شد. پس از آن تلاش‌هایی برای نجات دو کارگر دیگر در جریان بود. امدادگران عملیات نجات را تا صبح روز گذشته ادامه دادند. ساعت ۷:۴۸ یکی دیگر از کارگران محبوس شده از زیر آوار خارج شد که امدادگران مرگ وی را هم تأیید کردند. لحظاتی بعد از آن هم جسد سومین کارگر از زیر آوار خارج شد. تحقیقات درباره علت وقوع حادثه در جریان است.

مرگ مشکوک تازه‌عروس پس از ماه عسل

جشن زوج جوان پس از سفر ماه عسل به کشور گرجستان با مرگ تازه عروس به عزرا تبدیل شد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۳ روز چهارشنبه ۱۶ مردامه‌امأموران کلانتری ۱۳۳ شهر زیبا، قاضی دشتیان، بازپرس ویژه قتل تهران را از مرگ مشکوک تازه‌عروس در خانه‌اش با خبر کردند. لحظاتی بعد بازپرس به همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دم پلیس آگاهی در محل حاضر شد. در اولین بررسی‌ها مشخص شد که تازه‌عروس در حالی که آثار جراحات روی سرش وجود داشت به علت نامشخصی به کام مرگ رفته‌است. در اولین گام شوهر ۳۹ساله‌او به دستور بازپرس بازداشت شد و مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: من و همسرم یک هفته قبل ازدواج کردیم و برای ماه عسل هم به گرجستان سفر کرده بودیم و امروز از سفر برگشته بودیم که این حادثه اتفاق افتاد. او ادامه داد: من از ۱۰سال قبل با همسرم همکار بودم و بعد از آن باهم ازدواج کردیم. مرد جوان در شرح حادثه هم گفت: لحظاتی قبل صدای افتادن جسم سختی از سرویس بلند شد. وقتی خودم را رساندم، دیدم که او روی زمین افتاده و سرش هم به شیر آب برخورد کرده و بهوش شده‌است. خیلی زود زوارلس را با خبر کردم. امدادگران هم لحظاتی بعد خودشان را رساندند و بعد از معاینه گفتند که فوت شده‌است. به دستور بازپرس تحقیقات از متهم در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

دعوی خونین ۲نگهبان در کارخانه سنگ

دعوی دو نگهبان افغان در کارگاه سنگ‌بری با قتل یکی از آنها به سرانجام رسید.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۲ شامگاه چهارشنبه ۱۵ مردادماه مأموران کلانتری ۱۷۶ از مرگ مشکوک مردی ۴۸ساله در یکی از بیمارستان‌ها با خبر و در محل حاضر شدند. در اولین بررسی‌ها مشخص که این مرد در یکی از کارخانه‌های سنگ‌بری حوالی حسن‌آباد با اصابت ضربات چاقو مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان به علت شدت جراحات‌ها فوت شده است. همچنین مشخص شد که ضارب، همکار ۵۵ساله مقتول است که تحت تعقیب قرار گرفت.

در شاخه دیگری از تحقیقات و همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی متهم تحت تعقیب قرار گرفت و یک ساعت بعد در خانه‌اش بازداشت شد. متهم ۵۵ساله در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: من و مقتول هر دو تبعه افغان و نگهبان کارخانه بودیم. قبل از حادثه به خاطر موضوعی شخصی باهم درگیر شدیم که من عصبانی شدم و دست به چاقو بردم که حادثه اتفاق افتاد. سرهنگ سیدجلال حسینی، رئیس کلانتری ۱۷۶ حسن‌آباد گفت: تحقیقات بیشتر از متهم در جریان است.

آگهی مفقودی

پروانه طراحی و مونتاژ شرکت آسانبر پویا پرتو گستر با مسوولیت محدود به شماره ۱۵/۲۶۱۹۵/۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگ اعلام وضعیت (برگ سبز) خودروی پژو ۲۰۶ به شماره انتظامی ۱۷ ایران ۵۸۴ ه ۱۱ به شماره موتور 167B0021694 وشماره شاسیNAAP41FE4HJ012386 مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.